

آیه الله شیخ جعفر شوشتری

فقیهی بزرگ، و خطیبی سخنور

معروف و نهی از منکر آن هم بر بالای
منابر نداشته‌اند. و از طرف دیگر،
خطیبان عالی مقام، و سخنوران
تأثیرگذار، غالباً با تاریخ و حدیث سر و
کار داشته‌اند و کمتر به مبانی فقهی
می‌پرداخته‌اند، ولی شخصیت مورد نظر
ما، در این مورد نادره‌ی زمان و ذوالریاستین
بود، در حالی که فقیهی بزرگ و
دست‌پرورده‌ی شخصیت‌های عظیمی، مانند
صاحب جواهر و شیخ انصاری و غیره به
شمار می‌آمد، در عین حال، در منبر
خطابه و کرسی و عظمی گوی سبقت را از
همه ربوده بود، هنگامی که لب به سخن
می‌گشود و برای هدایت مردم سخن

پیش از آن که درباره‌ی شأن و مقام
فقیه سخنور مرحوم آیه الله شیخ جعفر
شوشتری رحمته‌الله سخن بگویم، از کلیه کسانی که
این فضای علمی را به وجود آورده‌اند تا از
یک شخصیت علمی و اخلاقی تجلیل به
عمل آید، تشکر و تقدیر می‌نمایم. مسلماً
مؤسسان این بزرگداشت، پاداش بزرگی،
نزد خدای متعال دارند.

تاریخ علمای شیعه کمتر کسی را
سراغ دارد که در عین حضور در قله
فقاہت، منبر خطابه و وعظ را نیز در
اختیار داشته باشد، زیرا غالباً فقیهان
عالی‌مقام در تحقیق مسائل فقهی فرورفته
و کاری با وعظ و خطابه و امر به

زیبایی که در تحلیل مراثنی، از خود ابراز می‌کرد، و نوعی اجتهاد در ترسیم اهداف حسین بن علی علیه السلام بود، مسلماً نشانی از تأییدات الهی و اخلاص این شخصیت کم نظیر است.

در شب وفات او که در ماه صفر در شهر «کرنه» اتفاق افتاد، آسمان ایران و عراق و نقاط دیگر با پدیده شهاب باران روبرو بود، که شعرا و ادبا آن را در اشعاری که در سوگ و رثای این عالم بزرگ سروده‌اند، آورده‌اند قبلاً نیز در سال و یا شب وفات حسین بن روح و محدث بزرگی مانند کلینی چنین پدیده، رخ داده بود.

سید ابراهیم طباطبایی در قصیده معروف خود به شهاب بارانی که در تعبیر عربی «تسائر نجوم» می‌گویند، اشاره می‌کند و چنین می‌سراید:

ومن استنزل النجم عن ابراجه

واستنزل الأعمار من حالاتها

سید جعفر حلّی نیز در قصیده خود

می‌گوید:

می‌گفت به تصدیق ترجمه‌نگاران، هزاران نفر، پای منبر او جمع می‌شدند و بسیاری از گنهکاران، راه توبه را در پیش می‌گرفتند و سعادت نصیب آنان می‌گشت و آنگاه که به نماز می‌ایستاد، همگان به وی اقتدا کرده و با او نماز می‌گزاردند. مسلماً چنین افرادی، نه تنها افراد موفقی هستند، بلکه به نوعی مؤید می‌باشند زیرا تا از جهان غیب، امدادی به آنان نرسد، دارای چنین موفقیت و موقعیتی نمی‌شوند. آثار چاپ شده از این مرد الهی نشان

می‌دهد که عقربه وجود او پیوسته دو مطلب را نشانه می‌گرفت، یا هدایت فکری و اعتقادی جامعه، مانند کتاب «الحدائق فی اصول الدین»، یا هدایت عملی و اخلاقی مردم، مانند کتاب «مجالس المواعظ والبكاء» و «الخصائص الحسینیة» که به زبان عربی و فارسی چاپ شده است.

مسلماً ولای خالصی که بر قلب او حکومت می‌کرد و در حقیقت در حبّ عترت و خاندان رسالت ذوب شده بود، در موفقیت او، اثر بارزی داشته و نکات

أَوْ مَا رَأَيْتَ الشَّهْبَ كَيْفَ تَهَافُتَ

والأرض أقرع أهلها زلزالها

شاعر پارسی‌گوی نیز می‌سراید:

چون حاج شیخ جعفر از این دار بار بست

همچون شهاب ریخت، ز انجم فلک شَرَر

ظاهر شب وفات حسین بن روح شد

از رحلت فقیه و کلینی همین اثر

تاریخ موت شیخ بپرسی گر از اسیر

گوید که «إنه لبجئات استقر»

جملة «إنه لبجئات استقر» که با

حروف ابجد با ۱۳۰۳ برابر است، سال

وفات شیخ می‌باشد. پیکر پاک او به نجف

اشرف منتقل و در حجره اولی سبابطی که

پهلوی تکیه بکتاشیهاست به خاک سپرده

شد.

در حالی که شهاب باران را ترجمه

نویسان نقل کرده‌اند، خود اینجانب نیز از

زبان مرحوم شیخ الاسلام تبریزی یعنی

مرحوم حاج سید علی اصغر طباطبایی

شنیدم که فرمود: من در سال فوت ایشان

۱۳ ساله بودم و با چشم خودم، شهاب

باران را دیدم و این حالت در آسمان تا

مدتی ادامه داشت.

من در این جا دامن سخن را کوتاه

می‌کنم و از خداوند بزرگ برای مرحوم

آیه‌الله شیخ جعفر شوشتی علو درجات

و برای پویندگان راه او، طلب مغفرت و

برای پدید آورندگان این فضای تکریمی،

درخواست پاداش الهی می‌کنم.

مسلماً فوت شیخ، اثر غمباری در

جامعه آن روز نهاد و آنگاه که خبر مرگ

او رسید در اکثر نقاط شیعه نشین، سوگ

و غم همه جا را فراگرفت و شایسته او

نیز همین بود، زیرا مرگ او، مرگ فردی

عادی نبود، و به قول شاعر:

وما مثل قیس هلکهُ هَلْکُهُ واحد

ولکنه بسنیاں قوم تهدهما

و به قول ناصر خسرو:

از شمار دو چشم یک تن کم

وز شمار خرد، هزاران بیش

با تقدیم احترام

قم - مؤسسه امام صادق (ع)

جعفر سبحانی

۲۵ محرم الحرام ۱۳۳۲